



هیأت بررسی کشتار کارجویان افغان:

از ایران در دادگاه جهانی لاهه و سازمان ملل شکایت می‌کنیم



با گذشت سه هفته از رویداد به رودخانه انداختن کارجویان افغان توسط مرزبانان ایرانی، اعضای هیأت محلی هرات و هیأت حکومت مرکزی می‌گویند یافته‌های آنان نشان می‌دهد که مرزبانان ایرانی مرتکب جنایت شده و در قتل کارجویان افغان دست داشته‌اند. شماری از اعضای مجلس نماینده‌گان که عضویت هیأت مرکزی را دارند، بر پی‌گیری جدی رویداد پافشاری کرده و هشدار می‌دهند که اگر قضیه از سوی حکومت افغانستان دنبال نشود، آنان به دادگاه بین‌المللی «لاهی هالند» و سازمان ملل متحد شکایت می‌کنند. آگاهان امور حقوقی باور دارند که این رویداد نمونه‌ای آشکار از جنایت بشری است و باید بررسی شود.

امضای توافق‌نامه سیاسی میان غنی و عبدالله؛

پایان یک بن‌بست و آغاز چالش نو

بی‌پروایی کابلین به کرونا؛

اگر رفتارشان را تغییر ندهند، فاجعه‌ی انسانی رخ می‌دهد

آماري که از سوی وزارت صحت عامه به نشر رسیده در یک شبانه روز گذشته ۶۰ تن در کابل به ویروس کووید-۱۹ مبتلا شده‌اند. با ثبت این تعداد، شمار مبتلایان به این ویروس در کابل، به یک‌هزار و ۹۰۴ تن رسیده که از این میان تاکنون ۲۶۱ تن بهبود یافته و ۲۵ تن دیگر جان‌های‌شان را از دست داده‌اند.



خلیل‌زاد:

غنی و عبدالله نباید اشتباه دوران حکومت وحدت ملی را تکرار کنند



۸صبح، کابل: زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان، پس از امضای توافق‌نامه سیاسی میان محمدآشرف غنی، رئیس جمهور و عبدالله عبدالله رئیس شورای عالی مصالحه ملی، گفته است که این دو رهبر نباید اشتباه دوران حکومت وحدت ملی را تکرار کنند. خلیل‌زاد این مطلب را در توئیترش مطرح کرده است. نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان در امور صلح گفت که این توافق که میان محمدآشرف غنی و عبدالله عبدالله پس از ۱۰ هفته به دست آمده است، استقبال می‌کند. خلیل‌زاد در این رشته توئیست مواردی از اشتباهات رهبران پیشین حکومت وحدت ملی و شریکان کنونی قدرت را برنشمرد. او افزوده است که زمان آن رسیده است تا اراده مردم افغانستان و جامعه جهانی برای پایان درگیری در افغانستان جدی گرفته شده است. نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان تأکید کرده است که عبدالله عبدالله با سرعت و فوریت کامل برای پیش‌برد روند صلح به پیش‌برود و دولت باید به صورت صمیمانه از او حمایت کند.

گفت‌وگوی تلفنی پمپئو با غنی و عبدالله: صلح هم‌چنان اولویت امریکا در افغانستان است

۸صبح، کابل: مایک پمپئو، وزیر امور خارجه امریکا پس از امضای توافق‌نامه‌ی سیاسی میان محمدآشرف غنی رئیس جمهور و عبدالله عبدالله رئیس شورای عالی مصالحه ملی، در یک تماس تلفنی گفت‌وگو کرده است. مورگان اورتگس، سخنگوی وزارت خارجه امریکا گفته است که مایک پمپئو در این تماس تلفنی دست‌یابی غنی و عبدالله را به یک توافق برای تشکیل حکومت فراگیر تبریک گفته است. وزیر امور خارجه امریکا در این تماس تلفنی نسبت به زمانی که در «بن‌بست سیاسی» هدر رفته، ابراز تأسف کرده است. او گفته است که رسیدن به یک توافق سیاسی برای پایان دادن به درگیری در افغانستان برای امریکا هم‌چنان یک اولویت است. وزیر امور خارجه امریکا از تعهد هر دو رهبر برای اقدام سریع در حمایت از شروع زود هنگام مذاکرات بین‌افغانی استقبال کرده است. محمدآشرف غنی و عبدالله عبدالله روز یکشنبه، بیست‌وهشتم ثور، توافق‌نامه‌ی سیاسی را امضا کردند. براساس این توافق‌نامه عبدالله عبدالله ریاست شورای عالی مصالحه ملی را برعهده می‌گیرد و وزیران به صورت پنجاه - پنجاه از سوی غنی و عبدالله عبدالله معرفی می‌شوند. با امضای این توافق‌نامه، تنش‌های سیاسی که پس از اعلام نتیجه انتخابات در کشور پدید آمده بود، پایان یافته است. بسیاری از سازمان‌ها و کشورها از توافق میان محمدآشرف غنی و عبدالله عبدالله استقبال کرده‌اند.

آیا همد روپکردشي در موده صلح افغانستان را تعدیل خواهند کرد؟

واکنش به نقدهای فیس‌بوکی: «ناآگاهی، تبعیض جنسیتی و مقاصد سیاسی» پشت پرده است



نشر عکس سه بانوی کارمند طراز اول نهادهای امنیتی در یکی دو روز گذشته فضای فیس‌بوک را در کشور ملتهب کرده است. در عکس دیده می‌شود که مروه امینی، معاون سخنگوی وزارت داخله...

پورنوگرافی فقر و التیام درد مستمندان



پورنوگرافی فقر به حالتی گفته می‌شود که فرد یا نهاد خیریه‌ای با اعطای مقدار ناچیزی کالا به فرد یا افراد فقیر به تهیه عکس و فلم و ویدیو پرداخته و آن را در جهت هدف یا اهداف معینی به کار می‌برد. تشویق امدادگران به اعطای کمک و تمویل پروژه‌های سازمان‌های غیر دولتی، کسب پرستیژ اجتماعی، رفع مسؤولیت...



انرژی رهبران حکومت نباید صرف تنش‌های سیاسی شود

دیروز رییس جمهور غنی و عبدالله عبدالله در نهایت توافق‌نامه سیاسی میان ارگ و سپیدار بر سر تقسیم قدرت در افغانستان را امضا کردند. با امضای این توافق‌نامه، رهبران حکومت، قدرت‌شان را بیش‌تر م‌رهون توافق سیاسی هستند نه نتایج مستقیم آرای مردم در یک انتخابات آزاد، شفاف و همه‌گانی. با امضای این توافق‌نامه، کارزار سیاست و حکومت در افغانستان دوباره به جایی برگشت که هفت ماه قبل و پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری در آن قرار داشت. انتخابات دوباره شکست خورد و حق انتخاب، مردم‌سالاری و قانون‌مداری جایش را با ملاحظات سیاسی عوض کرد.

شش سال پیش، زمانی که حکومت وحدت ملی بر پایه توافقات سیاسی با رهبری غنی و عبدالله شکل گرفت، بهترین گزینه برای عبور از بحران عنوان می‌شد. حکومت وحدت ملی نسخه‌ای بود که در افغانستان تجربه نشده بود. ابتدا بسیاری‌ها گمان می‌کردند که این نسخه جدید، مشکلات زیادی را از پیش روی مردم بر می‌دارد، اما از همان ابتدا، حکومت وحدت ملی گرفتار تنش‌های درونی شد. رهبران حکومت بر سر تعیین اعضای کابینه و مقامات بلندرتبه دچار اختلاف شدند. کابینه حکومت وحدت ملی، ماه‌ها بعد از شکل‌گیری نامشخص بود، این وضعیت به گونه‌ای دوام یافت که تا پایان عمر حکومت، هرگز کابینه تکمیل نشد. اختلافات دو رهبر موجب شد تا فرهنگ سرپرستی بدتر از هر زمان دیگری در افغانستان نهادینه شود و در نهایت، دو رهبر حکومت، به جای تمرکز بر اصلاحات، حکومت‌داری و خدمت‌رسانی به مردم، همه انرژی‌شان را صرف تنش‌ها و زدوبندهای درون‌حکومتی کردند. از آن‌جایی که دو رهبر حکومت وحدت ملی، توان و انرژی‌شان را صرف تنش‌های داخلی کرده بودند، حکومت‌شان در پنج سال گذشته دست‌آوردها و ناکامی‌های خاص خود را داشت. ناکامی‌های این حکومت، به صورت واضح، بیش از دست‌آوردهای آن بود.

در دوره حکومت وحدت ملی، طالبان توانستند شهرها را سقوط بدهند و نیروهای امنیتی را وادار به عقب‌نشینی از روستاها کنند. در این مدت به دلیل جنگ و و ناامنی، هزاران خانواده مناطق اصلی‌شان را ترک کردند و به شمار بی‌جاشده‌گان داخلی افزوده شدند. در ابتدای شروع این حکومت ده‌ها هزار شهروند از کشور فرار کردند، حتا مرگ را پذیرفتند ولی خواستار زنده‌گی در کشور ناامن خودشان نبودند، مردم از این می‌ترسیدند که مبادا ناامنی بیش‌تر شود. عدم شایسته‌سالاری در سمت‌های دولتی، مقرر شدن افراد بر اساس شناخت و قومیت از چالش‌های عمده‌ی حکومت وحدت ملی افغانستان بود و در نهایت محبوبیت حکومت ملی در افکار عامه به پایین‌ترین سطحش رسیده بود.

با نگاهی به کارنامه‌ی نه چندان درخشان حکومت وحدت ملی، زود در می‌یابیم که امضای توافق‌نامه‌ی دیروز میان اشرف غنی و عبدالله خبر خوبی نبود. کسانی که به دموکراسی، انتخابات، قانون‌مداری و مردم‌سالاری باور دارند، از این اتفاق ناخشنود اند. هزینه‌ی توافق دیروز بسیار سنگین است. باورمندی مردم به انتخابات و حق‌گزینش، بیش از هر زمانی خدشه‌دار شده است. اقتصاد مردم طی هفت ماه گذشته و پس از انتخابات ریاست‌جمهوری، میلیون‌ها افغانی آسیب دید. پروسه‌ی صلح که باید تا امروز به سرانجامی دست می‌یافت، به دلیل همین اختلافات ناتکمیل ماند. دو رهبری که دیروز با دور زدن قانون و ارزش‌های دموکراتیک، معامله کردند باید بهای این همه آسیب را بپردازند. بهترین بها برای پرداخت به مردم، این است که هر دو رهبر از تنش‌هایی که وضعیت سیاسی، امنیتی و اقتصادی مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد بپرهیزند. به مردم فکر کنند و به آینده‌ی درخشانی که با تلاش می‌شود برای این سرزمین رقم زد.

سران حکومت وحدت ملی نباید از یاد ببرند که بدون همراهی و رضایت مردم نمی‌توانند به استحکام پایه‌های قدرت‌شان بپردازند؛ این امر حتا در حکومت‌هایی که مطلقاً بر اساس اراده مردم بنا نشده، نیز امکان‌پذیر نیست.

اگر مبنای حکومت‌داری غنی و عبدالله را در پنج سال آینده، تنش سیاسی و صرف انرژی بر سر تقرری‌ها شکل دهد، آینده‌ی این حکومت از همین اکنون مشخص است. غنی و عبدالله در پنج سال پیش رو از پنج سال حکومت وحدت ملی باید تجربه بگیرند. آن‌ها باید بدانند که ناکام‌ترین چهره‌های سیاسی‌ای بودند که با وصف همه زمینه‌ها، تهداب‌های زیادی را ویران کردند. مردم و تاریخ در پایان عمر حکومت، در مورد هر دو رهبر، قضاوت خواهند کرد.

عبدالرشید دوستم مارشال شد



۸صبح، کابل: توافق‌نامه‌ی سیاسی میان محمداشرف غنی و عبدالله عبدالله روز یک‌شنبه، بیست‌وهشتم ثور امضا شد. طبق این توافق‌نامه، رتبه مارشالی به عبدالرشید دوستم، معاون پیشین ریاست جمهوری اعطا شده است. آقای دوستم سومین مارشال افغانستان است.

این رتبه طی فرمانی از سوی محمداشرف غنی، رییس جمهور به عبدالرشید دوستم داده شده است.

صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست جمهوری در این مورد گفت: « مارشالی در متن توافق‌نامه سیاسی است.»

بشیراحمد ته‌ینج، سخنگوی حزب جنش به

رهبری آقای دوستم به روزنامه ۸صبح گفت که

فرمان اعطای مارشالی به عبدالرشید دوستم امضا

شده است.

هم‌چنان طبق این توافق‌نامه، عبدالرشید دوستم عضو شورای عالی دولت و شورای امنیت ملی نیز شده است.

در ارتش کشور مارشال درجه‌ای بالاتر از سترجنرالی است.

درجه‌ی مارشالی در افغانستان پیش از این دوبار، در طول تاریخ سیاسی ـ نظامی کشور الی‌اکنون به افراد نظامی اختصاص داده شده است.

بار نخست در زمان خاندان شاهی محمدزایی، شاه‌ولی خان به خاطر گرفتن کنترل کابل از نیروهای حبیب‌الله کلکانی به درجه مارشالی رسید.

برای دومین بار این درجه به محمدقسیم فهیم، جانشین احمدشاه مسعود، قوماندان جبهه‌ی متحد بر ضد طالبان و وزیر دفاع آن وقت دولت جمهوری اسلامی افغانستان توسط حامد کرزی اعطا شد.

بررسی تظاهرات خونین غور پایان یافت



۸صبح، هرات: مقام‌های محلی غور می‌گویند هیأتی که برای بررسی جان‌باختن تجمع اعتراضی اخیر در این ولایت، به غور سفر کرده، بررسی‌هایش در این مورد به پایان رسیده است. قرار است این هیأت یافته‌هایش را با مسوولان حکومت مرکزی در میان بگذارد.

عارف عابر، سرپرست دفتر رسانه‌های ولایت غور، در صحبت با ۸صبح می‌گوید ریاست این هیأت را فرید غوری، معاون لوی‌سارنوالی، بر دوش دارد و نماینده‌گانی از وزارت‌های دفاع، داخله و ریاست عمومی امنیت ملی، عضو آن هستند.

از سویی هم، فعالان مدنی غور، از بی‌نتیجه بودن بررسی هیأت‌هایی که پیش از این، از سوی حکومت مرکزی به غور اعزام شده بودند، شاک‌ی‌اند و بر پی‌گیری همه‌جانبه کشتار

تفنگ‌داران ناشناس یک منسوب ارتش را در کابل کشتند

۸صبح، کابل: وزارت امور داخله می‌گوید که یک منسوب ارتش در پی حمله تفنگ‌داران ناشناس در مربوطات حوزه دوازدهم امنیتی شهر کابل کشته شده‌اند. طارق آربن، سخنگوی وزارت امور داخله روز یک‌شنبه، بیست‌وهشتم ثور، گفته‌است تفنگ‌دارانی که بر یک موترسایکل سوار بودند، بر یک موتر نوع «فوردر اردوی ملی» در ساحه چهارراهی داوودخان حوزه ۱۲ امنیتی شهر کابل شلیک کرده‌اند. طبق معلومات آربن، در نتیجه این تیراندازی یک

امرالله صالح در ننگرهار: دشمن روشن است، دسیسه‌سازان تردید ایجاد نکنند



۸صبح، کابل: امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری در دیدار با بازمانده‌گان قربانیان حمله انتحاری در ننگرهار یک‌بار دیگر طالبان را مسوول طرح‌ریزی این حمله بر غیرنظامیان خواند و گفت که «دسیسه‌سازان» در این مورد میان مردم شک و تردید ایجاد نکنند.

وی که روز یک‌شنبه، بیست‌وهشتم ثور، به ننگرهار رفته بود، در دیدار با شماری از بازمانده‌گان قربانیان گفت که طالبان مسوول حمله بر مراسم خاک‌سپاری در ولسوالی کوزکتر بوده و این گروه دست داشتن در این رویداد را پس از افزایش چشم‌گیر شمار قربانیان رد کرده است.

آقای صالح افزود که دشمن مشخص است و گروه طالبان و داعش نمی‌توانند این رویداد را به دوش یک‌دیگر بیندازند. به گفته وی، شماری از خارجی‌ها تلاش می‌کنند که با ابهام این حملات را به یک گروه ربط داده، اما در واقع این دو گروه از هم تفاوتی ندارند. معاون اول ریاست جمهوری در ادامه گفت که یک هیأت حقیقت‌یاب با عضویت شماری از بازمانده‌گان رویداد تعیین می‌شود تا چگونه‌گی حمله بر مراسم جنازه در ننگرهار را بررسی کند.

حکومت در حالی طالبان را مقصر اصلی رویداد ننگرهار می‌داند که پیش‌تر، زلمی خلیل‌زاد، فرستاده ویژه امریکا برای صلح افغانستان گفته بود که بر اساس یافته‌های امریکا، گروه داعش در حملات اخیر کابل و ننگرهار دست داشته است.

طالبان اما دست داشتن در حمله انتحاری بر مراسم جنازه در ننگرهار را رد کردند. این در حالی است که گروه داعش تأیید کرده است این حمله از سوی آن گروه طرح‌ریزی شده بود. در حمله انتحاری روز سه‌شنبه، بیست‌وسوم ثور در مراسم جنازه در ننگرهار، ۲۴ تن کشته و ۶۸ تن دیگر زخم برداشتند. گفتنی است که در میان قربانیان این رویداد، عبدالله ملکزی، عضو شورای ولایتی ننگرهار نیز جان باخت و ملک‌قیس نوراغا، نماینده این ولایت در مجلس نماینده‌گان زخم برداشت.

حادثه ترافیکی در لغمان شش کشته و سه زخمی برجای گذاشت

۸صبح، کابل: مقام‌های محلی در ولایت لغمان می‌گویند که در یک حادثه ترافیکی در مسیر شاهراه کابل – جلال‌آباد در مربوطات ولسوالی قرغه‌ای این ولایت شش نفر کشته شده و سه نفر دیگر زخم برداشته‌اند.

اسدالله دولت‌زی، سخنگوی والی لغمان، روز یک‌شنبه، بیست‌وهشتم ثور، به روزنامه ۸صبح گفت که این رویداد ساعت نه‌شنبه‌شب گذشته در ولسوالی قرغه‌ای رخ داده است.

او علت وقوع این رویداد را بی‌احتیاطی راننده‌گان عنوان کرد.

ولسوالی قرغه‌ای در ۲۰ کیلومتری جنوب‌شرق شهر مهنترلام، مرکز ولایت لغمان قرار دارد. شاهراه کابل – جلال‌آباد نیز از این ولسوالی می‌گذرد و هر از گاهی شاهد وقوع رویدادهای ترافیکی مرگ‌بار است.

حوادث ترافیکی در کنار رویدادهای امنیتی و حمله‌های انتحاری، یکی از مرگ‌بارترین رویدادها در کشور عنوان شده است. دلایل عمده وقوع حوادث ترافیکی در کشور، راننده‌گی با سرعت غیرمجاز و کم‌توجهی راننده‌گان به قوانین ترافیکی گفته می‌شود. سرک‌های غیرمعیاری نیز از دیگر عوامل وقوع این‌گونه حوادث است.

امضای توافق نامه سیاسی میان غنی و عبدالله؛

پایان یک بن‌بست و آغاز چالش نو



حسبب بهش

پس از کش‌وقوس‌های سه ماهه میان ارگ و سپیدار، سرانجام توافق‌نامه سیاسی از سوی محمدآشرف غنی و عبدالله عبدالله در ارگ ریاست جمهوری امضا شد. بر اساس این توافق‌نامه، قرار است عبدالله عبدالله پس از این سمت ریاست شورای عالی مصالحه ملی را احراز و روند صلح با گروه طالبان را رهبری کند. هم‌زمان با این، ۵۰ درصد کابینه از سوی دسته انتخاباتی ثبات و هم‌گرایی معرفی و والیان نیز بر اساس یک توافق میان دو طرف مقرر می‌شوند. بر اساس این توافق‌نامه، عبدالرشید دوستم بر علاوه ارتقا به رتبه مارشالی، عضویت شورای عالی دولت و شورای امنیت ملی را به دست می‌آورد. اجرا شدن این توافق‌نامه قرار است از طرف یک هیأت نظارتی متشکل از شش تن از بزرگان ملی و سیاست‌یون کشور نظارت شود. از این توافق که به باور طرفین می‌تواند به تنش‌های سیاسی موجود در کشور نقطه پایان بگذارد، به شکل گسترده‌ای استقبال شده است.

توافق‌نامه سیاسی روز یک‌شنبه، بیست‌وهشتم ثور در حضور گروه میانجی بین محمدآشرف غنی و عبدالله عبدالله به امضا رسید. محمدآشرف غنی، رییس جمهور کشور حین امضای توافق‌نامه گفت که افغان‌ها روز تاریخی‌ای را تجربه می‌کنند و ثابت ساختند که با «تدبیر و عقل جمعی» به منافع ملی‌شان می‌اندیشند و به آن متعهد اند. وی در ادامه افزود، افغان‌ها نشان دادند که می‌توانند بی‌میانجی‌گری نهادهای بین‌المللی به راه حل «معقول سیاسی» دست پیدا کنند. آقای غنی با سپاس‌گزاری از گروه میانجی و عبدالله عبدالله، گفت که رییس شورای عالی مصالحه ملی توانسته است تعهد خویش به منافع ملی را ثابت کند و توانایی مدیریت روند صلح را به عنوان «آرزوی بزرگ مردم افغانستان» دارد. وی افزود که امروز «صف جمهوری به خاطر داعیه مقدس صلح و رسیدن به ثبات دایمی» متحد و یک پارچه است. به گفته آقای غنی، اجماع ملی بالای صلح برای بقای افغانستان مهم و حیاتی است و ابراز امیدواری کرد که این اجماع بتواند در روزهای آینده به آتش‌بس و سپس به «صلح پایدار» منتج شود.

هم‌زمان با این، عبدالله عبدالله نیز از امضای توافق‌نامه ابراز خرسندی کرد. وی هرچند گفت که برخی از همکاران وی با این تصمیم موافق نبودند، اما به باور آقای عبدالله، بی‌ثباتی می‌توانست کشور را به قهقرا ببرد. وی افزود که تعهد دسته انتخاباتی ثبات و هم‌گرایی برای اصلاحات بنیادی پابرجا بوده و در متن توافق‌نامه نیز تصریح یافته است. آقای عبدالله ضمن تشکر از گروه میانجی، گفت که با امضای این توافق‌نامه یک گام محکم برای رسیدن به صلح برداشته شده و باید در فرصت پیش آمده، همه در عملی شدن این توافق‌نامه که به گفته وی «به خیر مردم افغانستان است»، بکوشند. عبدالله عبدالله ابراز امیدواری کرد که این توافق‌نامه بتواند زمینه را برای صلح با گروه طالبان فراهم سازد و تصریح کرد که نیاز است همه برای واحد ساختن اجماع در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و منسجم کردن کوشش‌ها تلاش کنند.

از سوی دیگر، حامد کرزی، رییس جمهور سابق کشور و عضو گروه میانجی نیز ضمن استقبال از این توافق میان ارگ و سپیدار، از دو طرف بابت مدارا در جریان گفت‌وگوها تشکر کرد. وی افزود که هدف گروه میانجی از تلاش‌ها برای توافق میان دو طرف، تسریع روند صلح در کشور بوده است. وی افزود که تلاش‌ها ادامه دارد تا گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی نیز بخشی از «کوشش همه‌گانی ملی گروه میانجی» باشد. آقای کرزی افزود که توقع دارد دو طرف روند صلح را سرعت بخشند و خشونت‌ها نیز توقف یابد. به گفته آقای کرزی، تلاش‌ها ادامه دارد که کوشش‌ها برای صلح افغانی شود و دو طرف زودتر به این روند دست یابند. عبدرب الرسول سیاف، دیگر عضو گروه میانجی نیز خواهان دوام این اتحاد شد و افزود که اعضای گروه میانجی، میانجی‌گری در این مذاکرات را برای رفاه مردم پذیرفته بودند.

از ایجاد شورای عالی مصالحه ملی تا تقسیم ۵۰

درصدی کابینه
بر اساس توافق‌نامه‌ای که میان محمدآشرف غنی و عبدالله عبدالله به امضا رسید، قرار است عبدالله عبدالله کرسی ریاست شورای عالی مصالحه را احراز و روند صلح را از سوی دولت رهبری کند. در ادامه آمده است که این شورا دارای پنج معاون خواهد بود که معاونین دسته انتخاباتی ثبات و هم‌گرایی به عنوان معاون رییس شورای عالی مصالحه ملی ایفای وظیفه خواهند کرد و سایر معاونین آن نیز در مشورت با رییس جمهور غنی معرفی خواهند شد. در توافق‌نامه تذکر یافته که عبدالله عبدالله صلاحیت رهبری روند صلح، رهبری نشست‌های شورای عالی مصالحه و تعیین کارمندان مربوطه، از جمله کارمندان وزارت دولت در امور صلح را دارا است. دو طرف هم‌چنان توافق کرده‌اند که این شورا امور مربوط به روند صلح را رهبری می‌کند و تصمیم این شورا بر اساس اکثریت آرا نهایی، و اجرای آن در پرتو قانون اساسی الزامی است.

این شورا هم‌چنان مسوولیت ایجاد اجماع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای صلح، جلب کمک‌ها و پشتی‌بانی‌های جهانی برای پیش‌برد بهتر امور صلح و جلب کمک‌های بین‌المللی برای بازسازی پس از برقراری صلح را برعهده خواهد داشت. در ادامه این توافق‌نامه آمده است که عبدالله عبدالله به عنوان رییس شورای عالی مصالحه ملی در موارد مربوط به مصالحه، تدابیر امنیتی، تشریفات و جایگاه شخص دوم کشور را خواهد داشت و معاونین و مشاور ارشد وی نیز از این تشریفات و تدابیر برخوردار خواهند بود. در بخش هزینه، شورای عالی مصالحه نیز واحد بودجه‌ای مستقل است که از بررسی مستثنا نبوده و از سوی دولت تمویل می‌شود. هم‌چنان تذکر یافته است که این شورا می‌تواند کمک‌های بودجه‌ای برای پیش‌برد امور صلح را از مراجع بین‌المللی دریافت کند. هم‌زمان با این، دو طرف روی ایجاد شورای عالی دولت برای ایجاد اجماع سیاسی به توافق رسیده‌اند. قرار است این شورا از رهبران سیاسی و شخصیت‌های ملی تشکیل شود و در مسایل مهم ملی به رییس جمهور مشورت بدهد.

بر اساس این توافق‌نامه که میان ارگ و سپیدار امضا شد، رتبه مارشالی به عبدالرشید دوستم اهدا و وی عضویت شورای عالی دولت و شورای امنیت ملی را نیز کسب می‌کند. پیش‌تر شماری از افراد در دسته انتخاباتی ثبات و هم‌گرایی با این موضوع مخالفت کرده بودند. هم‌زمان با این، قرار است ۵۰ درصد کابینه، به شمول وزارت‌خانه‌های کلیدی، از سوی سپیدار پیشنهاد شده و علاوه بر آن، والیان ولایت‌ها نیز بر اساس یک قاعده مورد توافق دو طرف، معرفی شوند. در این توافق‌نامه آمده است که کاندیدان بر اساس تشخیص شایسته‌گی و شرایط قانونی، پیشنهاد می‌شوند و تغییر، تبدیل و عزل آنان با دلایل موجه صورت می‌گیرد که در این صورت، کاندید جدید از سوی مرجع معرفی‌کننده بر اساس شرایط قانونی معرفی می‌شود.

در این توافق‌نامه درج شده است که جهت تکمیل ارکان لویه‌جرگه، باید برای انتخابات شوراهای ولایتی و ولسوالی‌ها زمینه‌سازی شود. هم‌چنان آمده است

که انتخابات شورای شهرداری‌ها نیز برای تطبیق احکام قانون و بهبود امور شهری در «اولین فرصت» برگزار شود. در بخشی از اصلاحات که در این توافق‌نامه گنجانیده شده، سپیدار خواستار تعیین هیأت برای طرح و تعدیل قانون اساسی به منظور تغییر ساختار حکومتی بعد از برگزاری انتخابات شوراهای ولسوالی شده است. دو طرف هم‌چنان روی اصلاحات انتخاباتی (که مسایل حقوقی، فنی و کادری را شامل می‌شود)، تعدیل قانون احزاب سیاسی و ایجاد ایجابات اداری و تشکیلات دولتی در ادارات محلی توافق کرده‌اند.

بر بنیاد توافق دو طرف، قرار است یک هیأت نظارتی با حضور شش تن از بزرگان ملی و سیاست‌یون ایجاد شود و به آنان صلاحیت داده شود تا جلو نقض این توافق‌نامه را بگیرند. هم‌چنان توافق شده است که تیم فنی‌ای برابر از سوی دو طرف معرفی شود تا موارد نقض توافق‌نامه را شناسایی کند. در این توافق‌نامه آمده است که در صورت نقض موارد توافق شده، تیم فنی می‌کوشد تا از طریق تفاهم جلو نقض توافق‌نامه را بگیرد و در صورتی که این تلاش‌ها نتیجه ندهد، جانبی که توافق‌نامه به ضرر آن نقض شده، موضوع را به هیأت میانجی محول خواهد کرد. در ادامه گفته شده است که تصمیم هیأت نظارت و میانجی نیز در مورد موضوع اختلافی به رییس جمهور و رییس شورای عالی مصالحه ملی ابلاغ خواهد شد. این در حالی است که عبدالله عبدالله ابراز امیدواری کرد که این توافق‌نامه نقض نشود و زمینه برای حضور دوباره گروه میانجی فراهم نگردد.

استقبال از امضای توافق‌نامه میان ارگ و سپیدار

امضای توافق‌نامه میان ارگ و سپیدار با استقبال گرم روبه‌رو شده است. مایک پمپئو، وزیر امور خارجه امریکا در توییتی نوشته است که از توافق میان محمدآشرف غنی و عبدالله برای تشکیل حکومت فراگیر خوشحال است و از تعهد جدید این دو رهبر برای دست‌یابی به صلح استقبال می‌کند. ینس استولتنبرگ، دبیر کل ناتو با انتشار بیانیه‌ای گفته است که از تصمیم رهبران سیاسی افغانستان برای حل اختلافات و پیوستن به تلاش‌ها برای تشکیل دولت فراگیر استقبال می‌کند. دبیرکل ناتو تأکید کرده است که در زمان شیوع ویروس همه‌گیر کرونا لازم است تا رهبران سیاسی افغانستان متحد شوند و برای برقراری صلح تلاش کنند. او از طالبان نیز خواسته است که به تعهدات‌شان عمل کنند و خشونت‌ها را کاهش دهند. ینس استولتنبرگ هم‌چنان تأکید کرده است که ناتو به حمایت خود از افغانستان ادامه می‌دهد.

وزارت خارجه ایران از تماس تلفنی جواد ظریف با محمدآشرف غنی و عبدالله عبدالله پس از امضای توافق‌نامه سیاسی خبر داده است. در اعلامیه‌ای که از سوی وزارت خارجه ایران نشر شد، گفته شده است که جواد ظریف از «پیش‌رفت در روند مصالحه» در این تماس تلفنی استقبال کرده است. جواد ظریف در این تماس تلفنی حمایت ایران را از هم‌سویی

تنش‌ها میان ارگ و سپیدار هم‌زمان با اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری در بیست‌ونهم دلو سال گذشته آغاز شد. پس از آن‌که کمیسیون مستقل انتخابات محمدآشرف غنی را برنده انتخابات ریاست جمهوری اعلان کرد، عبدالله عبدالله از پذیرفتن نتیجه انتخابات امتناع کرد و گفت که به ایجاد حکومت موازی اقدام می‌کند. محمدآشرف غنی و عبدالله عبدالله در نهم حوت سال گذشته مراسم تحلیف جداگانه‌ای را به ترتیب به عنوان «رییس جمهور منتخب» و «رییس جمهور همه‌شمول» برگزار کردند که واکنش‌های زیادی در پی داشت. سرانجام تنش‌ها سبب شد انتخاب هیأت مذاکره‌کننده با گروه طالبان به تأخیر بیافتد که واکنش‌های کشورهای دخیل، از جمله امریکا را در پی داشت. حکومت دونالد ترامپ هشدار داد که در صورت توافق نکردن ارگ و سپیدار برای ایجاد یک حکومت همه‌شمول که به آغاز مذاکرات با گروه طالبان منجر می‌شود، این کشور کمک یک میلیارد دلاری‌اش برای افغانستان را قطع می‌کند.

گفت‌وگوها برای پایان تنش سیاسی میان ارگ و سپیدار از سوی گروه میانجی، با حضور حامد کرزی و عبدرب الرسول سیاف، آغاز شد و سرانجام دو طرف به تقسیم قدرت تن دادند. گفتنی است که طرح سپیدار دو هفته پیش به ارگ ریاست جمهوری فرستاد شد و دو طرف گفت‌وگوها روی آن را آغاز کردند. هر چند ارگ در اوایل با برخی از نکات این طرح مخالفت کرده بود، اما سرانجام این طرح روز شنبه، بیست‌وششم ثور نهایی و برای امضای دو طرف آماده و امضا شد.



میدالاحمد حسینی

با آن که دولت از خطرات ویروس کرونا به مردم آگاهی‌دهی کرده است، اما مردم نسبت به این ویروس بی‌پروا هستند و بدون در نظر داشتن توصیه‌های صحي در سطح شهر به رفت‌وآمد می‌پردازند.

مقام‌های صحي از ادامه چنین وضعیت ابراز نگرانی می‌کنند و می‌گویند، با وجودی که مردم از خطرات ویروس کرونا آگاهی دارند و دولت نیز به اندازه کافی اطلاع‌رسانی کرده، هنوز پایتخت‌نشینان نسبت به این ویروس بی‌اعتنا هستند و آن را جدی نمی‌گیرند. مقام‌های وزارت صحت عامه و ولایت کابل از ادامه روند گردش در شهر و بازارها به کابلین هشدار می‌دهند و می‌گویند که اگر مردم نکات صحي را رعایت نکنند، ممکن است فاجعه‌ی انسانی رخ بدهد.

چندی پیش یک منبع که نخواست نامش فاش شود، به ۸صبح گفت که شماری از مقام‌های بلندپایه حکومتی از نحوه آگاهی‌دهی و اطلاع‌دهی ویروس کرونا شکایت داشتند. این منبع افزود، از آن روزی که مسوولیت اطلاع‌دهی به وزارت اطلاعات و فرهنگ سپرده شده، مردم نسبت به ویروس کرونا بی‌پروا شده‌اند.

اما اکنون مقام‌های صحي می‌گویند که بی‌پروایی و بی‌اعتنایی مردم به ویروس کرونا از ناآگاهی نیست و نهادهای مسوول به گونه درست اطلاع‌رسانی کرده‌اند. وحیدالله مایار، سخنگوی وزارت صحت عامه در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که وزارت اطلاعات و فرهنگ با داشتن ریاست‌ها در سطح ولایات، به خوبی توانسته است که در امر اطلاع‌رسانی کار کند و به مردم از خطرات ویروس کووید-۱۹ آگاهی بدهد. او بی‌باوری مردم نسبت به ویروس کرونا را ناشی از ناآگاهی آنان نمی‌داند. مایار بیان داشت که در حال حاضر تمامی شهروندان در مورد ویروس کرونا معلومات کافی دارند. او گفت که مردم سهم‌شان را در جلوگیری از ویروس کرونا ادا نمی‌کنند و از همین خاطر، به این رفتار مردم انتقاد کرد. سخنگوی وزارت صحت عامه افزود: «مردم با وجودی که می‌فهمند ویروس کرونا خطرناک و کشنده است، اما با آن‌هم رفتارشان را تغییر نمی‌دهند و بدون در نظر داشتن مسایل صحي، رفت‌وآمد می‌کنند.»

صابر مومند، سخنگوی وزارت اطلاعات و فرهنگ در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که رییس جمهور

بی‌پروایی کابلین به کرونا؛

اگر رفتارشان را تغییر ندهند، فاجعه‌ی انسانی رخ می‌دهد



آماري که از سوی وزارت صحت عامه به نشر رسیده در یک شبانه روز گذشته ۶۰ تن در کابل به ویروس کووید-۱۹ مبتلا شده‌اند. با ثبت این تعداد، شمار مبتلایان به این ویروس در کابل، به یک‌هزار و ۹۰۴ تن رسیده که از این میان تاکنون ۲۶۱ تن بهبود یافته و ۲۵ تن دیگر جان‌های‌شان را از دست داده‌اند.

کند. با این حال او افزود که اکنون به نحو احسن آگاهی‌دهی شده و مردم می‌دانند که چگونه در برخوردهای اجتماعی‌شان بهداشت را رعایت کنند تا به ویروس کرونا مبتلا نشوند. از سوی دیگر مقام ولایت کابل از شکسته شدن خودسر قیود گردش در شهر کابل توسط باشندگان، ابراز نگرانی می‌کند. این اداره می‌گوید در صورتی که شهروندان قرنطین را نقض کنند، گراف مبتلایان به ویروس کرونا صعود خواهد کرد و یک فاجعه رخ خواهد داد. ناصر مهری، سخنگوی والی ولایت کابل بیان داشت که باشندگان کابل به گونه خودسر «قرنطین» را شکسته‌اند و بدون در نظر داشتن توصیه‌های صحي در سطح شهر رفت‌وآمد

در حدود سه هفته قبل، مسوولیت اطلاع‌دهی و آگاهی‌دهی را به دوش وزارت اطلاعات و فرهنگ گذاشته و به این وزارت وظیفه سپرده تا کارهای تخنیکی اطلاع‌رسانی را با وزارت صحت عامه یک‌جا انجام بدهد. او تصریح کرد که این وزارت در تمامی ولایات هم‌گام با نهادهای جامعه‌ی مدنی برنامه‌های آگاهی‌دهی عامه را در سطح ولایت‌ها پیش برده و «کارهای خوبی» در این زمینه انجام داده است. مومند شکایت‌هایی که در زمینه اطلاع‌رسانی بود را بی‌مورد دانست و گفت که دستگاه اطلاع‌رسانی این وزارت متوقف نبود و همین اکنون روی ساخت پیام‌های رسانه‌ای کار می‌کند تا مردم را از خطرات ویروس و نحوه‌ی برخوردشان با این ویروس آماده

آیا هند رویکردش در مود صلح افغانستان را تعدیل خواهد کرد؟

به هر صورت در محاسبات دهلی جدید، این‌که هند چه چیزی را در تعامل با شورشیان به دست می‌آورد اما آن را نمی‌تواند از طریق تعمیق روابط با شرکای موجود در داخل و خارج دولت افغانستان به دست آورد، یک موضوع مهم است.

نویسنده: جاوید احمد

منبع: Atlantic Council



برگردان: سیداکرم بارز

از آغاز، توافق صلح امضا شده میان امریکا و طالبان موجب آشفته‌گی دهلی جدید شد. کشوری که شریک مهم دولت افغانستان است، نقش فعال در زمینه صلح بازی نکرده و توافق امضا شده را یک‌جانبه عنوان کرده است. حالا ایالات متحده امریکا تلاش دارد تا چاره‌ای به نگرانی‌های هند درآید. آقای زلمی خلیل‌زاد، مذاکره‌کننده ارشد امریکایی در سفر اخیرش به هند، از این کشور خواسته است تا درب گفت‌وگوی مستقیم سیاسی با طالبان را باز کرده و در خصوص نگرانی‌های مرتبط به تروریزم بحث کند. آقای خلیل‌زاد در مصاحبه با هندو تایمز گفته است که هند یک نیروی مهم در افغانستان است و برای هردو طرف هند و طالبان مناسب است تا وارد یک تعامل شوند.

به رغم بیانیه‌های مثبت، بسیاری از پالیسی‌سازان هند در رابطه به شایسته بودن توافق امریکا و طالبان که دهلی جدید به آن با چشم‌انداز استراتژیک خود نگاه می‌کند، دل خوش ندارند. در واقع بسیاری در دهلی جدید یک توافق به نفع پاکستان را به شکل‌گیری سناریوی عدم توافق با توجه به نقش مبهم و تعریف نشده پاکستان در تلاش‌های صلح ترجیح می‌دهند و این نگرانی در هند فرو کاسته نشده است.

به صورت مشخص در حالی که هند ممکن است از تقاضای امریکا مبنی بر باز کردن مجرای مستقیم سیاسی با طالبان خرسند به نظر برسد، اما این تلاش‌ها به چند دلیل محکوم به شکست است.

اول – از آن جایی که هند بزرگ‌ترین حامی مالی منطقه‌ای افغانستان است، روابط قوی و مشارکت چندبعدی‌اش را با دولت افغانستان در بدل تلاش

گروه یا فرد به شمول القاعده مبنی بر عدم استفاده از قلمرو افغانستان به خاطر تهدید امنیت ایالات متحده امریکا و متحدانش را بگیرد، اما در توافق‌نامه تصریح نشده که متحدان امریکا کدام کشورها می‌باشند و آیا هند شامل متحدان امریکا است یا خیر. تضمین‌های مبارزه با تروریزم مندرج در توافق‌نامه صلح، گروه‌ها و یا عناصری از طالبان را که ضد هند می‌باشند، مشخص نکرده است.

مشابه، فراتر از افغانستان، سند متذکره نقش طالبان در کاهش تهدیدهای ناشی از القاعده در منطقه به شمول هند را تذکر نداده است. به گونه مثال در حالی که القاعده فعالیت‌هایش را در شبه‌قاره و قابلیت‌های عملیاتی‌اش را در داخل هند تشدید بخشید، این گروه شمار زیادی از جنگ‌جویان و مریان را با خود دارد که شامل رهبری طالبان می‌باشند.

هم‌چنان تهدیدهایی که از جانب شاخه شبه‌قاره القاعده و گروه‌های هم‌دست ایدئولوژیک متوجه این کشور می‌گردد، برای هند حایز اهمیت است. هند جذابیت روزافزون القاعده، تاثیرگذاری ایدئولوژیک و توانمندی‌های عملیاتی این گروه را درک کرده است. آن‌چه اهمیت دارد، این است که رهبران هند اساسا نگران خطرات وهابیت خالص و سخت‌گیر می‌باشند، یک ایدئولوژی که آرام‌آرام در میان جمعیت دو صد میلیون مسلمان هند و کشمیر جا باز کرده است. مسلمان‌ها به صورت تدریجی در برابر حرارت و گرایش وهابیزم مقاومت می‌کنند. این کشور هم‌چنان شاهد افزایش قابل ملاحظه سلفی، وهابی و مساجد و مدارس اهل حدیث است. برای پالیسی‌سازان هندی، تهدید و خطرات رادیکالیزم با خواستگاه بومی و داخلی و به خصوص تنش‌های جاری در محور ملی‌گرایی مذهبی که شاخه شبه‌قاره می‌تواند از آن بهره‌برداری کند، خطر واقعی تلقی می‌شود.

سوم– دهلی جدید چندین پالیسی را در افغانستان دنبال کرده که هیچ یک از آن پالیسی‌ها نگرانی‌های ایدئولوژیک و اقتصادی به همراه نداشته است. هر یک

از پالیسی‌های افغانستان‌محور هند به نظر می‌رسد اصولا متمرکز به ایجاد نوعی توازن کارکردی میان افغانستان و پاکستان است. در ماهیت، برقراری این توازن مستلزم آن است که پاکستان نقش خویش در گفت‌وگوهای صلح افغانستان را به گونه‌ای مورد سوءاستفاده قرار ندهد که حوزه وسیع منافع دیپلماتیک، امنیتی و منافع توسعه‌ای هند در افغانستان را تحت شعاع قرار دهد. به گونه‌ی مثال دهلی جدید متحد نزدیک دولت افغانستان بوده و از موقف افغانستان در تلاش‌های صلح حمایت کرده است، اما این‌که دهلی جدید تصمیم بگیرد تا پالیسی‌اش را تغییر داده و علیه شرکای افغانش قرار گیرد، هرگونه گفت‌وگو با طالبان بی‌معنا و میان‌تهی ثابت خواهد شد.

در حال حاضر، این و سایر ملاحظات، به نظر می‌رسد دهلی جدید را گیج ساخته است. از یک جانب فرصت برای آن کشور به خاطر داشتن نقش سازنده در پروسه صلح یا یک جایزه که ممکن است موجب رنجش پاکستان گردد، فراهم شده و از سوی دیگر هند با یک تصمیم ترفندگونه مواجه است که آن عبارت از اطمینان از رویکرد و پالیسی‌های آینده است که این کشور را در مقابل دولت افغانستان قرار ندهد. چنان‌چه هند روی گام‌های بعدی‌اش در افغانستان فکر می‌کند، نتیجه خواهد گرفت که این کشور بیش‌تر از این نمی‌تواند یک تماشاگر محض در تلاش‌های صلح افغانستان باشد و پالیسی‌های خویش را مطابق به آن عیار خواهد کرد. این امر ممکن است شامل فراخوان قوی‌تر راجع به آتش‌بس، جست‌وجوی وضاحت بیش‌تر راجع به نقش پاکستان در پروسه صلح و احتمالا جست‌وجوی نقش ناظر در مذاکرات آینده دولت افغانستان و طالبان باشد. در عین حال اگر رهبران هند تصمیم به توسعه تماس رسمی یا غیررسمی با طالبان اتخاذ کنند، اولویت‌های این کشور هم‌چنان در تبنای و نزدیکی با دولت افغانستان باقی خواهد ماند.

هیأت بررسی کشتار کارجویان افغان:

از ایران در دادگاه جهانی لاهه و سازمان ملل شکایت می کنیم



محمدحسین نیکخواه

با گذشت سه هفته از رویداد به رودخانه انداختن کارجویان افغان توسط مرزبانان ایرانی، اعضای هیأت محلی هرات و هیأت حکومت مرکزی می‌گویند یافته‌های آنان نشان می‌دهد که مرزبانان ایرانی مرتکب جنایت شده و در قتل کارجویان افغان دست داشته‌اند.

شماری از اعضای مجلس نماینده‌گان که عضویت هیأت مرکزی را دارند، بر پی‌گیری جدی رویداد پافشاری کرده و هشدار می‌دهند که اگر قضیه از سوی حکومت افغانستان دنبال نشود، آنان به دادگاه بین‌المللی «لااهه هالند» و سازمان ملل متحد شکایت می‌کنند. آگاهان امور حقوقی باور دارند که این رویداد نمونه‌ای آشکار از جنایت بشری است و باید بررسی شود.

اعضای هیأت‌های بررسی‌کننده رویداد می‌افزایند که مقام‌های ایرانی حاضر نشدن در سطح مقام‌های بلندرتبه با حکومت افغانستان مذاکره کنند و تنها در سطح «کمیسارهای مرزی» هیأت ایرانی و هیأت افغانستان، در مرز مشترک باهم دیدار کرده‌اند.

به تازه‌گی رییس جمهور غنی و سرپرست وزارت خارجه، از طریق «ویدیو کنفرانس» با خانواده‌های قربانیان صحبت کرده و به آن‌ها اطمینان داده‌اند که حکومت و دستگاه دیپلماسی افغانستان، قتل کارجویان افغان را پی‌گیری می‌کنند.

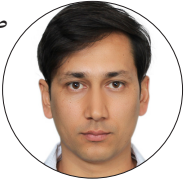
مرزبانان ایرانی عامل کشتار هستند

حدود سه هفته پیش، ۵۷ کارجوی افغان که از مرز مشترک با ایران در منطقه‌ی «دهانه‌ی ذوالفقار» وارد ایران شده بودند، نیمه‌های شنبه‌شب، دوازدهم ثور، از سوی مرزبانان ایرانی به رودخانه انداخته شدند.

ایران پس از رسانه‌ای شدن این رویداد، با نشر بیانیه‌ای، دخیل بودن نیروهای مرزی کشورش در کشتار کارجویان افغان را رد کرد، اما حکومت افغانستان دو هیأت جداگانه، یکی در سطح محلی هرات و دیگری در سطح حکومت مرکزی را، برای بررسی آن تشکیل کرد.

برخی اعضای هیأت بررسی‌کننده محلی هرات، می‌گویند یافته‌های آنان از محل غرق شدن کارجویان و برخی شواهد دیگر نشان می‌دهد که عامل کشتار کارجویان، نیروهای مرزی ایران هستند.

وکیل‌احمد کרוخی، مسوول کمیته‌ی امنیتی شورای



رشا مرادی

صدای نحس فیر در فضا می‌پیچد، رگ‌بار پس از رگ‌بار. کارمندان صحنی محل کارشان را ترک می‌کنند و به سمت درب اتاق مصون «Safe room» می‌روند. دو بیمار در حال وضع حمل‌اند و دو زن در لباس قابله از وضعیت بیماران مراقبت می‌کنند. یکی به دیگری می‌گوید که بهتر است اتاق بیماران را ترک کنند، اما دومی نمی‌پذیرد. می‌گوید که اگر بروند، احتمال دارد بیماران و کودکان‌شان جان‌های‌شان را از دست بدهند. سایر کارمندان صحنی اصرار می‌کنند و سرانجام یکی حاضر می‌شود که برای حفظ جان‌ش، آن‌جا را ترک کند، اما دومی نمی‌پذیرد و به تنهایی بالای سر دو بیمار می‌ماند. حدود ۱۰ دقیقه زمان می‌برد که از سلامت نوزادان و بهتر شدن وضع بیماران مطمئن شود. سپس می‌کوشد آن‌جا را ترک کند، اما درب‌ها به رویش بسته‌اند و تقلا‌ی او برای زنده ماندن، دیگر سودی ندارد. بانویی که در شرایطی حساس، مرگ خود را به زنده‌گی دو بیمار و نوزادان‌شان ترجیح داد، سرانجام از سوی تفنگ‌داران از پا درآمد و پیکرش در میان دود و آتش سوخت.

مریم نورزاد در شب‌وروزهای جنگ‌های داخلی دهه ۶۰ متولد شد. مدتی نگذشت که خانواده او هم‌مانند بسیاری از افغان‌ها به ایران مهاجر شد و برای سه تا چهار سال در آن‌جا ماندند. وضعیت رفته‌رفته حالت عادی گرفت و خانواده او دوباره به وطن بازگشت. وی که هفت سالی بیش نداشت، در روزهای سخت به جمع دانش‌آموزان آن زمان پیوست و سرانجام توانست در دوره پیچیده‌ای درس‌های مکتبش را به پایان برساند. وی خوش‌چانس بود که پایان مکتبش، با آرامش نسبی همراه شد و توانست به کمک کمیته‌ی سویدن درس‌های قابله‌گی را در انستیتوت غضنفر دنبال کند. او درس حدود سه سال را در ۱۸ ماه به شکل فشرده پی گرفت و دوباره به کمک بانوان ولایتش، میدان‌وردک شتافت. با آغاز زنده‌گی مشترکش، ۱۲ سال در کلینیکی در آن‌جا بود، باقی ماند و همواره با بانوان باردار کمک می‌کرد تا این‌که نیازهای بیش‌تر برای توجه به فرزندانش را حس کرد.

مریم سه فرزند داشت: احسان‌الله ۱۳ ساله، محمدالیاس

ولایتی هرات و عضو کمیته‌ی بررسی‌کننده محلی، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید یافته‌ها و شواهد موجود ثابت می‌کند که مرزبانان ایرانی، پس از بازداشت کارجویان افغان، آنان را به رودخانه انداخته‌اند. به گفته‌ی او، تمام اسناد، مدارک و شواهدی که نشان‌گر دست‌داشتن نیروهای مرزی ایران در کشتار کارجویان است، از سوی هیأت محلی، در اختیار هیأت مرکزی قرار گرفته و بازمانده‌گان قربانیان، خواهان پی‌گیری جدی قضیه از سوی حکومت افغانستان هستند.

برخی اعضای مجلس نماینده‌گان کشور، که عضو هیأت بررسی‌کننده حکومت مرکزی‌اند، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که مرزبانان ایرانی مرتکب جنایت بزرگی شده‌اند و حکومت ایران، باید در این مورد به ملت و دولت افغانستان پاسخ بدهد.

با این‌همه، مقام‌های محلی هرات از ابراز نظر در مورد یافته‌های‌شان در پیوند به این رویداد خودداری کرده و تأکید دارند که هیأت حکومت مرکزی بررسی‌هایش را با مردم شریک می‌کند. حمید طهماسی، سرمفتش شورای امنیت افغانستان و رییس هیأت بررسی‌کننده نیز حاضر نشد در مورد یافته‌های هیأت چیزی بگوید.

از ایران به دادگاه جهانی لاهه شکایت می‌کنیم

اعضای هیأت بررسی‌کننده محلی هرات، از نیمه‌کاره ماندن بررسی هیأت‌های حقیقت‌یابی که پیش از این برای بررسی موارد گوناگون در کشور تشکیل شده است، شاکی‌اند و پافشاری می‌کنند که نتایج مشخص یافته‌های هیأت مرکزی باید با مردم شریک شود.

عبدالستار حسینی، عضو مجلس نماینده‌گان و عضو هیأت بررسی‌کننده حکومت مرکزی، با اشاره به چندین مورد قتل شهروندان افغانستان که قبلاً از سوی مرزبانان ایرانی صورت گرفته است، از حکومت و دستگاه دیپلماسی افغانستان می‌خواهد که این رویداد را به صورت همه‌جانبه دنبال کند.

وی می‌افزاید که اگر حکومت و دستگاه دیپلماسی افغانستان مسأله‌ی کشتار کارجویان افغان را به گونه‌ی همه‌جانبه دنبال نکنند، او با همکاری اعضای مجلس نماینده‌گان و خانواده‌های قربانیان، از ایران در دادگاه بین‌المللی «لاهی‌ه هالند» و سازمان ملل متحد شکایت می‌کند.

این عضو هیأت بررسی‌کننده حکومت مرکزی که سابقه‌ی فعالیت به عنوان مسوول استخبارات نیروهای مرزی در زون غرب کشور را دارد، تأکید می‌کند که در گذشته موارد مشابه کشتار شهروندان افغان به دست نظامیان ایرانی از سوی حکومت ایران کتمان شد و حکومت افغانستان هم آن را دنبال نکرد.

آگاهان امور حقوقی باور دارند رویدادی که در مرز ایران و افغانستان رخ داد، نمونه‌ای آشکار از نسل‌کشی و جنایت بشری است و افغانستان حق دارد از ایران، به دادگاه جهانی لاهه، شکایت کند.

احمدرفیع نادری، رییس انجمن مستقل وکلای مدافع در زون غرب، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که بر اساس معاهدات بین‌المللی در امور مهاجران، ایران حق کشتار کارجویان افغان را نداشت و باید در این مورد بازخواست شود.

بر اساس معلومات هیأت بررسی‌کننده حکومت مرکزی، مقام‌های ایرانی با کارشکنی در روند بررسی‌ها، حاضر نشدنند با اعضای هیأت‌های افغان دیدار کنند و تنها یک دیدار دو جانبه، در سطح کمیسارهای مرزی دو کشور انجام شده و در آن، طرف ایرانی در عوض پذیرفتن کشتار کارجویان، نامه‌ای اعتراضی مبنی بر ورود غیرقانونی شهروندان افغان به خاکش را، به کمیسار افغانستان سپرده است.

وعده‌ی رییس جمهور به بازمانده‌گان قربانیان

رییس جمهور غنی، روز شنبه، بیست‌وهفتم ثور، از طریق «ویدیو کنفرانس» در حضور اعضای هیأت‌های

مرگی برای زنده‌گی؛

شهامتی که بانوی افغان به نمایش گذاشت



محافظان دهن درب را به رگ‌بار بستند. مریم نورزاد با یک بانوی دیگر، در اتاقی از دو بیماری محافظت می‌کردند که قرار بود وضع حمل کنند. صدای فیرها در گوش می‌پیچد و همه سراسیمه در فکر حفاظت از جان‌های‌شان می‌افتند، اما برای مریم در آن زمان، زنده‌گی دو خانم باردار و نوزادانی که قرار بود به دنیا بیایند، مهم می‌نماید. اصرار مداوم همکارانش سبب می‌شود که دیگر قابله‌ای که با مریم در یک اتاق بود، برای رفتن به اتاق مصون «Safe room» قانع شود. با وجود تأکید همکارانش، او نمی‌خواهد که آن دو بیمار را در شرایط وضع حمل تنها بگذارد و ترجیح می‌دهد در همان اتاق بماند.

فیرها در گوش می‌پیچد و آژیر خطر مدام تمرکزش را به هم می‌زند، اما برای مریم بیش‌تر از مرگ خودش، زنده‌گی دیگران اهمیت می‌یابد. وضع حمل دو بیمار تا ۱۰ دقیقه طول می‌کشد و نوزادان سالم، اما در گیرودار جنگ و خون‌ریزی به دنیا می‌آیند. خیال مریم راحت می‌شود. آن‌گاه فکر می‌کند که شاید اکنون بتواند آن‌جا را ترک کند، اما به محض رفتن به سمت «Safe room» با درب بسته روبه‌رو می‌شود. تقلا می‌کند و به

هر سمتی می‌دود، اما چاره‌ساز نیست. او خود را در کام مرگ می‌بیند، اما چاره‌ای جز تلاش برای نجات جان‌ش ندارد. مهاجمان می‌بینند که مریم در صحن حویلی برای رفتن به اتاق مصون تلاش می‌کند و لحظه‌ای درنگ نکرده، بی‌مهابا به مغزش شلیک می‌کنند.

مریم در کنار دو موتر ایستاده در آن‌جا می‌افتد و جان می‌سپارد. اندکی نمی‌گذرد که موترها پس از فیرهای مداوم آتش می‌گیرند و جسد مریم در میان آتش می‌سوزد. جنگ دیر دوام می‌کند و سرانجام با حضور نیروهای امنیتی پایان می‌یابد. زخمیان رویداد به شفاخانه آتاترک و قربانیان به طب عدلی منتقل می‌شوند. خانواده او به او از هر راه ممکن می‌خواهند تماس برقرار کنند، اما گویی دیگر کارساز نیست. شفاخانه‌ها را یکی پی هم جست‌وجو می‌کنند، اما اسم وی لای فهرست قربانیان و زخمیان دیده نمی‌شود. شب نحس بر خانواده او صبح می‌شود و آفتاب در یک بامداد غمگین از پشت کوه بالا می‌آید، اما از مریم خبری نیست. فردای همان روز، خانواده‌ی وی برای یافتن او به شفاخانه نسایی و ولادی داکتران بدون مرز مراجعه می‌کنند و پس از اصرار، به درون محوطه راه می‌یابند.

یکی از همکاران مریم می‌گوید که وی را آخرین بار در کنار موترهایی دیده است که در آن حمله آتش گرفته و جز آهن‌پاره، چیزی دیگری از آن‌ها نمانده است. خانواده او جست‌وجو می‌کنند و انگشتر، عینک و موبایلش را به عنوان نشانه می‌یابند. آنگاه به مرکز طب عدلی می‌روند و تنها جسد باقی مانده در آن‌جا را که در میان آتش سوخته است، بر می‌دارند. در آن حمله، ۲۴ غیرنظامی، از جمله چندین نوزاد و مادر بیمار، کشته شدند و ۱۶ تن دیگر زخم برداشتند. مریم نورزاد، قابله‌ای که می‌توانست خودش را نجات دهد، ترجیح داد که در کنار بیمارانش بماند و زنده‌گی آنان و نوزادان‌شان را نجات بدهد. کسی نمی‌داند بیمارانی که مریم از آنان مراقبت می‌کرد، زنده‌اند یا خیر، اما گویا یکی از بیماران در میان قربانیان رویداد دیده شده است. مریم نورزاد اما تا آخرین رمق حیاتش به آن‌چه تعهد کرده بود، پابند ماند و با به رخ کشیدن شهامتش، نگذاشت بیمارانش نبود او را در وضعیت حساس حس کنند.


 محمد هادی ابراهیمی
دانشجوی حقوق
و علوم سیاسی

ظاهراً بحران انتخابات بعد از کشمکش‌های فراوان و رفتن به سوی ایجاد حکومت موازی، حل شده است. اگر چه نقد و سخن‌های بسیاری در مورد محتوای پیمان و تضمین آن مطرح است، اما مهم‌ترین قدم در راستای حل آن برداشته شده و می‌توان به

حل نهایی آن امیدوار بود.

این نوشته به جواب این پرسش می‌پردازد که چرا انتخابات افغانستان، همیشه با بحران مواجه می‌شود و چرا باید بعد از هر انتخابات، شاهد بحران‌ها و کشمکش‌های فراوان و بالاخره جورآمد و معامله بود؟ جوابی که این نوشته در پی تبیین آن می‌باشد، این است که مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل ایجاد بحران، نوعیت نظام سیاسی افغانستان است، و حتا اگر در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن، تقلبی صورت نگیرد و انتخابات بدون هیچ مشکل تخنیکی انجام شود، باز هم با بحران مواجه خواهیم شد.

سه انتخابات اخیر ریاست جمهوری در افغانستان، با بحران‌های کم‌وبیش مشابه، روبه‌رو شده، اما آن‌چه بحران می‌آفریند، نه روند انتخابات است و نه هم تقلبات گسترده؛ بلکه این نوع نظام سیاسی افغانستان است که بحران می‌آفریند و صد البته بر تشدید آن می‌افزاید، نظامی که در لویه‌جرگه‌ی ۲۰۰۴ تصویب شد. این نوع از نظام، ذاتاً بحران‌زا و بحران‌افزا است. این نظام همیشه بر مشکلات و بحران‌ها می‌افزاید و باعث جنجالی شدن انتخابات به عنوان روندی برای انتقال قدرت می‌گردد. این نوشتار در پی آن است، تا تاثیر نظام ریاستی بر تشدید بحران‌های انتخاباتی را تبیین کند و نتیجه بگیرد که به دلیل نوعیت نظام سیاسی افغانستان و نبود ساختاری مناسب برای مشارکت تمام گروه‌ها، انتخابات در افغانستان همیشه با مشکل مواجه خواهد شد.

در علوم سیاسی، نظام‌های دموکراتیک به سه نوع ریاستی، پارلمانی و نیمه‌ریاستی تقسیم می‌شوند. در نظام ریاستی، تمام قدرت در دست رئیس جمهور متمرکز است. در این نظام، کابینه بیش‌تر از آن‌که نقشی با صلاحیت داشته باشد، نقش مشاور را دارد، وزرا تنها در یک صورت قدرت اجرایی دارند و آن این که رئیس جمهور این قدرت را به آنان تفویض کند. در این نظام، همیشه یک برنده داریم و چند بازنده، فردی که برنده‌ی انتخابات می‌شود به عنوان رئیس جمهور منتخب تمام قدرت را به دست می‌گیرد. از سویی هم، افراد و گروه‌های اقلیت و بازنده، هیچ سهمی در قدرت ندارند.

اما در نظام پارلمانی، هر گروه و حزبی، به تناسب رأیی که دارد در پارلمان صاحب کرسی می‌شود، و با توجه به

چرا همواره انتخابات ما جنجالی می‌شود؟



و عزل والیان و مسوولان اداری محلی هر ولایت، تعیین و عزل اعضای دیوان عالی، اعلان جنگ و یا متارکه‌ی جنگ؛ و همین‌طور رئیس جمهور بنا بر شرایطی خاصی که در ماده یک‌صد و بیست و پنجم قانون اساسی آمده است، می‌تواند ولسی جرگه را منحل کند. این صلاحیت‌ها، بالاترین حد تمرکز قدرت را در دست رئیس جمهور ممکن می‌سازد.

از بدو تصویب این نظام، کشمکش‌های فراوانی در لویه‌جرگه صورت گرفت، طوری که برخی حاضران لویه‌جرگه، به دلیل این که تنها پیش‌نویس نظام ریاستی در تالار لویه‌جرگه به بحث گذاشته شده بود و پیش‌نویس نظام پارلمانی مطرح نشده بود، لویه‌جرگه را تحریم کردند. از ۵۰۰ نفری که در لویه‌جرگه شرکت کرده بودند، ۲۷۰ نفر جرگه را تحریم می‌کنند که در نتیجه، با لابی‌گری‌های زلمی خلیل‌زاد و استدلال به این که این نظام برای شرایط بحرانی افغانستان مفیدتر است، نظام ریاستی تصویب می‌شود. (بختیاری، ذکی، ۱۳۹۸: ۲۳) این نظام برای جوامع چندپارچه‌ای چون افغانستان، بدترین نوع نظام است. این نظام همیشه باعث تشدید شکاف‌های اجتماعی می‌شود و در نتیجه به بروز و تشدید بحران مشارکت و هویت می‌انجامد(رحیمی، ۱۳۸۷: ۳۲). در نظام ریاستی همیشه یک برنده وجود دارد و با توجه به فرهنگ سنتی افغانستان و با توجه به این که مهم‌ترین ملاک رأی‌دهی در انتخابات ریاست جمهوری قومیت است، می‌توان گفت در این نظام همیشه یک قوم برنده می‌شود و اقوام دیگر، محکوم به بازنده‌شدن می‌باشند. در این نوع از نظام، اقوام اقلیت، هیچ‌گاه نمی‌توانند سهمی از قدرت داشته باشند و در

این که در این نظام قوه‌ی مجری از درون پارلمان شکل می‌گیرد، می‌توان گفت هر گروه و حزبی، به تناسب رأی خود صاحب قدرت می‌شود. در این نظام، کرسی‌های پارلمان به تناسب آرای که به صندوق ریخته شده، تقسیم می‌شود، به همین جهت از نوع بازی برد-برد است و هر گروه و حزبی، به میزان رأی خود برنده است. به تعبیر دیگر در این نظام همه برنده می‌شوند و به همین جهت، میزان کشمکش‌های انتخاباتی در آن کم است.

و بالاخره در نظام نیمه‌ریاستی، قدرت اجرایی میان رئیس جمهور و نخست‌وزیر، به الگوهای متفاوتی تقسیم می‌شود، مثلاً در بعضی نظام‌های ریاستی، رئیس جمهور در امور بین‌المللی و سیاست خارجی دارای صلاحیت می‌باشد و نخست وزیر، به امور داخلی می‌پردازد و همین‌طور الگوهای دیگری برای تقسیم قدرت میان رئیس جمهور و نخست‌وزیر وجود دارد.(هیوود، ۱۳۹۵: ۲۸۰)

نظام فعلی افغانستان که در لویه‌جرگه ۲۰۰۴ با کشمکش‌های فراوان و البته لابی‌گری‌های زلمی خلیل‌زاد تصویب شد، نظامی ریاستی است، آن هم نظامی که به تعبیر حقوق‌دانان بیش‌ترین صلاحیت‌ها را به شخص رئیس جمهور داده، طوری که می‌توان گفت در این نظام، رئیس جمهور همان شاه است، اما با اسمی دیگر. در قانون اساسی افغانستان، صلاحیت‌های بی حد و حصری به شخص رئیس جمهور داده شده و به معنای دقیق کلمه، تمام قدرت به صورت انحصاری در دست رئیس جمهور متمرکز است. در ماده‌ی شصت و سوم قانون اساسی، صلاحیت‌هایی هم‌چون تعیین و عزل معاونان، تعیین

واکنش به نقدهای فیس‌بوکی:

«ناآگاهی، تبعیض جنسیتی و مقاصد سیاسی» پشت پرده است

فیس‌بوک به همراه داشت. برخی از کاربران فیس‌بوک با ابراز نظر در مورد ناآگاهی امنیتی این بانوان، دولت را به ضعف مدیریتی و تشخیص منابع نیروی انسانی متهم کردند. عده‌ای هم با پیش کشیدن بحث جنسیتی، به این نتیجه رسیدند که زنان بنا بر تبعیض مثبت و با درنظرداشت مصلحت‌های سیاسی در این سه پست امنیتی به وظیفه گماشته شده‌اند.

دو روز پس از شدت گرفتن موج انتقادها، مروه امنیتی، معاون سخنگوی وزارت داخله، در فیس‌بوکش نوشت که «نقد سازنده» قابل احترام است و در نبود نقد، حاکمیت نظام استبدادی روی کار می‌آید. وی در نوشته فیس‌بوکی‌اش ادامه داده که نقد نمی‌تواند در قالب ناسزا، فحش، دشنام و توهین جهت لطمه وارد کردن به عزت و شخصیت یک شهروند باشد. خانم امنی یک روز پس از انتشار متنی در فیس‌بوک، به روزنامه ۸صبح گفت که اکثر انتقادها ریشه در جنسیت دارد. وی ادامه داد که زنان نیم پیکر جامعه هستند و باید در اداره‌های موثر دولتی در سمت‌های بلند وظیفه اجرا کنند. او تصریح کرد که سمت اجرایی خودش و سایر خانم‌هایی که مورد انتقاد قرار گرفته‌اند، امنیتی نیست، بلکه در چارچوب وظایف غیرنظامی دسته‌بندی می‌شود. وی می‌گوید که مسوولیت او و سایر بانوان فعال در بخش‌های غیرنظامی وزارت‌های امنیتی، تامین پستی‌بانی لازم به نیروها است و معاونان و معین‌های ارشد امنیتی در این وزارت‌خانه‌ها مسوولیت سوق و اداره نیروهای جنگی را دارند.



سعیدحسن حسینی

نشر عکس سه بانوی کارمند طراز اول نهادهای امنیتی در یکی دو روز گذشته فضای فیس‌بوک را در کشور ملتهب کرده است. در عکس دیده می‌شود که مروه امنیتی، معاون سخنگوی وزارت داخله، منیره یوسف‌زاده، معاون وزارت دفاع ملی و حسنا جلیل، معین پالیسی و استراتژی وزارت داخله، در حال کار روی یک نقشه هستند. این عکس هنگامی نشر شد که نهادهای امنیتی با نشر اعلامیه‌ای، طالبان را به استفاده از تاکتیک «حمله و تکذیب» متهم کرده و یادآور شدند که بنا بر گزارش‌های کشفی، ریشه حمله بر شفاخانه یک‌صد بستر داکتران بدون مرز در دشت برچی کابل و مراسم تشییع جنازه یک فرمانده محلی در ولسوالی شیوه ولایت ننگرهار، از سفره طالبان تغذیه شده است. یکی دو روز جلوتر از آن حملات نیروهای ارتش بر مواضع طالبان در گوشه‌گوشه کشور بنا بر فرمان رئیس جمهور شدت گرفته بود. این کارمندان وزارت‌های داخله و دفاع می‌گویند که در صورت تکرار «فحاشی، توهین و لطمه وارد شدن به شخصیت فردی‌شان» از سوی عده‌ای از کاربران فیس‌بوک، به مراجع عدلی و قضایی شکایت می‌برند.

حساب نقد از توهین جدا است

نشر عکس سه نفره کارمندان بلندپایه نهادهای امنیتی کشور موجی از انتقادها و هم‌سویی‌ها را در فضای مجازی

قدرت شریک شوند، نهایت مشارکت گروه‌ها و اقوام دیگر در قدرت، معاونیت اول یا دوم است، آن هم معاونیتی که هیچ صلاحیتی ندارد. اقوام و گروه‌های بازنده، هیچ سهمی از قدرت ندارند و تمام قدرت در دست یک فرد(یخوانید یک قوم) متمرکز می‌شود. این نوع از نظام سیاسی و این برنده‌شدن همیشه‌گی یک قوم و بازنده‌شدن همیشه‌گی اقوام دیگر، باعث ایجاد و تشدید بحران مشارکت می‌شود. زیرا هیچ راه دموکراتیکی برای برنده‌شدن اقوام و گروه‌های اقلیت در آن وجود ندارد و این یعنی بحران مشارکت، بحرانی که در اثر نبود ساختارهای لازم برای مشارکت گروه‌های مختلف بروز می‌یابد، بحرانی که در درازمدت، باعث بروز بحران‌های دیگری هم‌چون بحران مشروعیت و هویت می‌شود.

بحران مشارکت در نظام ریاستی ذاتی و جدایی‌ناپذیر است، حتا اگر انتخابات بدون هیچ تقلبی صورت بپذیرد، باز هم نظام ریاستی برطرف‌کننده‌ی بحران مشارکت نیست، بلکه خود این نظام، بحران را تشدید می‌کند و همیشه باید انتخابات با کشمکش‌های فراوان و اتهام‌ها و جورآمدها همراه باشد. وقتی نوع نظام، مشارکت اقوام دیگر را تضمین نکند، راهی جز معامله و جورآمد نیست، چه این معامله در چارچوب قانون اساسی باشد و چه نباشد. سطحی‌اندیشی است اگر گمان کنیم ریشه‌ی مشکل تنها در تقلبات گسترده است، و اگر تقلبی صورت نگیرد شاهد چنین بحران‌هایی نخواهیم بود. ریشه‌ی مشکل در نوعیت نظام است و این خانه، از پای‌بست ویران است.

تنها راه برون‌رفت از این مشکل، تغییر نظام است، تغییر نظام از ریاستی به پارلمانی، تغییر نظام از بازی برد و باخت، به بازی برد-برد. تا زمانی که نظام سیاسی افغانستان، نظام ریاستی باشد، همیشه با مشکل مواجه هستیم، همیشه بر تعداد بحران‌ها و جورآمدها و کشمکش‌ها افزوده می‌شود. بحران‌هایی چون بحران هویت، بحران توزیع، بحران نفوذ و بحران مشروعیت، در پی بحران مشارکت بروز می‌کند، به همین جهت نظام فعلی، نه تنها که باعث ایجاد بحران مشارکت می‌شود، بلکه بر ایجاد و تشدید بحران‌های دیگر نیز تاثیر مستقیم یا غیرمستقیم می‌گذارد.

منابع

هیوود، آندرو(۱۳۹۵) مفاهیم کلیدی در علم سیاست. ترجمه؛ حسن سعید کلاهی.
رحیمی، مجیب‌الرحمن(۱۳۸۷) نقدی بر ساختار نظام در افغانستان.
ذکی، مهدی و بختیاری، صدیقه(۱۳۹۸)گروه‌های قومی و توزیع قدرت سیاسی در افغانستان.



گروه کوچک متحجر

در همین حال منیره یوسف‌زاده، معاون وزارت دفاع افغانستان، در واکنش به انتقادهای فیس‌بوکی، شالوده فکری منتقدان را «متحجر» خوانده و می‌گوید که آنان فقط گروه کوچکی‌اند که قدرت تحمل کار و پیش‌رفت زنان را در دولت و فضای سیاسی کشور ندارند. خانم یوسف‌زاده تصریح می‌کند که انتقادهای چنین افراد، در نهایت امر تأثیری بر حضور زنان و تاثیر مثبت کاری‌شان در چارچوب امور دولتی و سیاسی ندارد. به باور وی، جامعه افغانستان بسیار کلان‌تر از عده‌ای است که با حضور در فضای مجازی، سعی در انتقادهای همیشه‌گی از کادر بانوان دولتی دارند.

این کنش و واکنش در حالی انجام می‌گیرد که به باور آگاهان امور و فعالان حقوق زن، دولت باید با پشتی‌بانی از حقوق زنان، فضای فکری امن را برای کار زنان در سمت‌های بلند اداره‌های مختلف دولتی ایجاد کند. آگاهان به این نظر اند که نیاز است برای توانمندسازی زنان، این قشر جامعه علاوه بر بخش‌های مرتبط با تامین امنیت وزارت‌های امنیتی، در بخش‌های ملکی این وزارت‌ها هم فعالیت داشته باشند. گفتنی است که وزارت داخله دست‌کم هشت هزار بست غیرنظامی در سراسر کشور دارد که زنان و مردان هم اکنون در سمت‌های مختلف آن فعالیت می‌کنند.

پورنوگرافی فقر و التیام درد مستمندان

میرعثمان بارز

استاد دانشگاه و کاندیداری دکترای در دانشگاه رور آلمان
ایمیل: barizhossain2@yahoo.com

پورنوگرافی فقر به حالتی گفته می‌شود که فرد یا نهاد خیریه‌ای با اعطای مقدار ناچیزی کالا به فرد یا افراد فقیر به تهیه عکس و فلم و ویدیو پرداخته و آن را در جهت هدف یا اهداف معینی به کار می‌برد. تشویق امدادگران به اعطای کمک و تمویل پروژه‌های سازمان‌های غیر دولتی، کسب پرستیژ اجتماعی، رفع مسوولیت به گونه‌ی ظاهر فریب،... از جمله‌ی اهداف استفاده از پورنوگرافی فقر به حساب می‌آیند. امروزه در جامعه‌ی ما پورنوگرافی فقر، به طور وسیع به چشم می‌خورد. بعضی افراد و مقامات سیاسی حتا دیگر عکس‌های سلفی‌شان را هم روی کیسه‌های آرد و برنج چاپ نموده و نثار فقرا می‌کنند. در صفحات اجتماعی و رسانه‌های دیداری نیز بیش‌تر به پخش و نشر تصاویری می‌پردازند که مقامات دولتی را در حال اعطای چند قرص نان به فرد فقیری نشان می‌دهد. اکنون این پرسش مطرح است که آیا این پورنوگرافی به گونه‌ی واقعی، سبب کاهش فقر در یک جامعه می‌تواند شود؟ در این مقال، سعی شده است تا با تحلیل مختصر به پاسخ این پرسش پرداخته شود.

سابقه‌ی «پورنوگرافی فقر» و اثرات آن

مفهوم پورنوگرافی فقر از اوایل دهه ۸۰ میلادی به این‌طرف در ادبیات توسعه پدیدار گشته است. در آن زمان سازمان‌های غیر دولتی از تصاویر دردآور اطفال فقیر افریقا در جهت تحریک احساسات و عواطف امدادگران برای حمایت از پروژه‌های‌شان استفاده می‌کردند، اما امروز این پدیده به ابزار دست سیاست‌گران و ثروتمندان برای جلب حمایت و توجه دیگران بدل شده است. در پورنوگرافی فقر، دو جانب وجود دارد- یکی فرد فقیر و دیگری فرد خیر. چشم فقیر همیشه به دست خیر دوخته است؛ همان خیری که در یک دستش نان و در دست دیگرش کامره است. بنا بر آن در ظاهر امر، هر دو جانب راضی به نظر می‌رسند (فقیر به نانی می‌رسد و خیر به هدفش)؛ لیکن در نهایت گدایی به یک فرهنگ بدل می‌گردد.

ناچیز بودن مقدار کمک از یک طرف و مقطعی و لحظه‌ای بوده آن از جانب دیگر مانع از آن می‌شود که پورنوگرافی فقر به التیام فقر بینجامد. تداوم پورنوگرافی فقر رفته‌رفته حیا را از میان افراد جامعه دور ساخته و روزه‌روز سبب می‌شود تا افراد بیش‌تری به شمار گدایان بپیوندند.

در اکثر حالات، پورنوگرافی فقر، گدایان حرفه‌ای را هدف قرار می‌دهند و افراد مستحق از آن بهره‌ای نمی‌برند. گدایان حرفه‌ای شاید تنها گروهی از فقرا باشند که فقرشان را ظاهر ساخته و به گدایی می‌پردازند. در حالی که در جامعه‌ی ما افراد مستحق زیادی هستند که به دلیل حفظ آبرو و حیثیت‌شان نمی‌خواهند شکار کمره‌های پورنوگرافی فقر شوند و فقر و بی‌چاره‌گی‌شان آشکار گردد. این افراد از استغنائی لازم برخوردار اند و ترجیح می‌دهند گرسنه بمانند، اما آبروی‌شان محفوظ باشد.

در پورنوگرافی فقر، همواره به معلول توجه شده و علت‌ها و اسباب فقر از نظر دور می‌ماند. به همین دلیل پورنوگرافی فقر نمی‌تواند باعث التیام پایدار فقر گردد. تداوم بخشایش رایگان برای افراد نیازمند، آن‌ها را در درآمدت تنبل و بی‌کاره بار آورده و به تبع آن، جامعه را عاطل و باطل و بی‌خاصیت می‌سازد. از آن‌جایی که پورنوگرافی فقر همراه با ابزار عواطف ظاهر فریب فرد خیر نسبت به دریافت‌کننده کمک است، ممکن است این باور را در ذهن افراد فقیر تداعی نماید که این حق‌شان است تا دیگران به آن‌ها کمک کنند و دست‌شان را بگیرند. لذا این افراد از هر گونه تلاش در جهت بهبود حیات خودشان و خانواده‌ی‌شان دست می‌کشند و به بار دوش دیگران بدل می‌گردند و چشم‌شان همیشه به دست و سفره دیگران است.

التیام پایدار به جای تسکین زودگذر گرسنه‌گی

کمک به مستمندان زمانی مفید و مؤثر است که افراد فقیر، آن را به عنوان یک فرصت تلقی کنند- فرصتی



برای تغییر از وضعیت موجود (فقر و بی‌چاره‌گی) به وضعیت مطلوب (رفاه و آسایش). کمک‌هایی که در لحظه‌ای از زمان، شکم گرسنه‌ای را سیر می‌سازد، ممکن است تسکین گرسنه‌گی باشد، ولی تداوی فقر نخواهد بود. روش اصلی ریشه‌کن کردن فقر، آن است تا به جای غذا برای افراد فقیر وسایل فراهم‌سازی غذا از راه کار و کوشش خودشان میسر شود. ضرب‌المثل معروف چینی است که می‌گوید: «به جای دادن ماهی به فقرا، ماهی‌گیری را برای آن‌ها بیاموزانید.»

در یاری رساندن به فقرا، تا حد ممکن بایست سعی شود تا به گونه‌ی رایگان چیزی برای کسی داده نشود. آن‌چه را که افراد به طور رایگان به دست می‌آورند در نزد آن‌ها ارزش چندانی ندارد. علاوه بر آن، در صورت دریافت اشیا (به ویژه کالای معیشتی) رایگان، دریافت‌کننده‌گان خودشان را حقیر حس می‌کنند و روح و روان‌شان را می‌آزارد. تداوم این وضعیت، ممکن است به عقده‌مندی نسبت به دیگران بینجامد. به طور مثال، به جای بخشش پنج قرص نان برای هر خانواده فقیر (که این روزها جریان دارد) بهتر است با دادن آرد رایگان و یا مقداری پول لازم به خبازان قیمت نان از ۱۰ افغانی به حدود دو افغانی کاهش داده شود. با عملی نمودن این روش مزیت‌های ذیل حاصل خواهد شد:

۱) افراد فقیر بدون حس حقارت، مانند دیگران نان را خریداری می‌نمایند (تفاوت طبقاتی ظاهر نمی‌شود)؛

۲) هر کس به اندازه‌ی نیازش نان خریداری می‌کند (این طور نیست که پنج قرص نان برای خانواده دو نفری بیش از نیاز و برای خانواده ۱۰ نفری کم‌تر از میزان نیاز باشد)؛

۳) واسطه‌های توزیع از میان برداشته می‌شود، احتمال فساد و پارتی‌بازی در توزیع کمک به حداقل می‌رسد؛

۴) ضرورت به پیروسی طولانی آمارگیری و تحلیل و تخمین در سطح محلات شهر نخواهد بود

۵) و از تجمع افراد در دروازه‌های نانوائی‌ها (که با توجه به بحران کرونا خطرناک می‌باشد) جلوگیری خواهد شد. حال ممکن این پرسش پیش آید که آیا با اجرای روش سب‌سایدی، سهم مستمندان نصیب افراد دارا نخواهد شد؟ پاسخ این پرسش به دلایلی منفی است. برای افراد مستمند، نان غذای اصلی است در حالی که برای افراد دارا، نان زینت سفره است، نه غذای اصلی. بنا بر این تقاضای افراد دارا به نان خشک آن‌قدرها زیاد نخواهد بود. دوم این که ۹۰ فی‌صد مردم افغانستان فقیر (اعم از فقیر نسبی و فقیر مطلق) به حساب می‌آیند، روی این اساس اگر سیاست مذکور انحرافی هم داشته باشد، اندک خواهد بود.

استراتژی جامع فقرزدایی به جای پورنوگرافی

فقر پدیده چندبعدی است که مفهومی فراتر از گرسنه‌گی دارد. فقر یعنی ناتوانی افراد در برآورده کردن احتیاجات اساسی زنده‌گی. هر چند، احتیاجات اساسی زنده‌گی از یک فرد تا فرد دیگر و از یک کشور تا کشور دیگر متفاوت است. با آن هم، ناتوانی در کسب میزان کالری لازم جهت اجرای فعالیت‌های روزانه، دسترسی نداشتن به آموزش، نابرخورداری از خدمات صحتی، نداشتن حس مالکیت و عدم احساس پرستیژ اجتماعی در میان جامعه، گوشه‌گیری و انزوا، از جمله دردهای مشترک فقرا و مستمندان در جهان است. از نگاه عددی نیز، هر فردی که ارزش محتوای سبد کالای مصرفی روزانه آن کم‌تر از ۱.۹ دالر امریکایی باشد، فقیر مطلق محسوب شده و در زیر خط فقر قرار می‌گیرد.

مردم به آب صحیح آشامیدنی دسترسی ندارند و... در چنین حالتی، کمک به فقرا بهتر است همراه با انگیزه برای تغییر باشد.

یک مقوله امریکایی است که وقتی به کسی «لیمویی» داده می‌شود باید از آن «آب لیمو» بسازد. در این مقوله «لیمو» نماد فرصت و «آب لیمو» سمبول حرکت و تغییر برای زنده‌گی بهتر است. در نتیجه‌ی همین روند- دادن فرصت و انتظار تغییر- است که فقر التیام می‌یابد، نه با پخش عکس و تصویر و فلم و ویدیوی نمادین و سمبولیک یا همان پورنوگرافی فقر. با در نظر داشتن دلایل فوق، از سیاست‌گذاران و مدیران اقتصاد کلان کشور توقع می‌رود تا واقع‌گرا باشند و به جای توسل به پورنوگرافی فقر، استراتژی‌ها، پلان‌ها و برنامه‌های جامع هدف‌مندی را در جهت مبارزه‌ی اساسی با این فاجعه طرح و اجرا کنند و از این طریق، سبب تحرک منابع شده و زمینه‌ی کار و استخدام را برای افراد مستمند فراهم سازند. در غیر آن، تازیان‌ه‌ی فقر هم‌چنان بر شانه‌های این ملت مظلوم فرو خواهد آمد.



دکترهنی، اوپولگولووالمداری وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری

د افغانستان اسلامی جمهوری دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان



Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Agriculture, Irrigation and Livestock

معینیت مالی واداری
ریاست تهیه و تدارکات
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی

«دعوت به داوطلبی روش باز ملی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/ARTF/NHLP/NCB – LC-GO-2020-42

ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی تهیه و تدارک ریجنت ها و لوازم بسته مصرفی برای لابراتوار ریاست صحت حیوانی (Procurement of Lab Reagents and Sampling Kits) ضرورت پروژه ملی باغداری و مالمداری (NHLP) اشتراک نموده و نقل شرطنامه مربوط را در فلش دسک (حافظه) بشکل رایگان از ریاست تهیه و تدارکات، تعمیرمعینیت مالی و اداری وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری بدست آورده، آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات طور سر بسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۰۸:۴۵ قبل از ظهر مورخ ۱۷ JUNE ۲۰۲۰ به دفتر جلسات ریاست تهیه و تدارکات، منزل اول تعمیر معینیت مالی و اداری ارائه نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و انترنیتی قابل پذیرش نمی باشد.

قابل یادآوری است که جلسه پیش آفرگشایی مورخ ۰۳ JUNE ۲۰۲۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر و جلسه آفر گشایی مورخ ۱۷ JUNE ۲۰۲۰ ۰۹:۰۰ قبل از ظهر در اطاق جلسات آفر گشایی ریاست تهیه و تدارکات تدویر میگردد.



دکترهنی، اوپولگولووالمداری وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری

د افغانستان اسلامی جمهوری دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان



Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Agriculture, Irrigation and Livestock

معینیت مالی واداری
ریاست تهیه و تدارکات
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی

«دعوت به داوطلبی روش باز ملی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/ARTF/NHLP/NCB – HC-GO-2019-13 (Rebid)

ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی تهیه و تدارک ادویه جات بیولوژیکی غرض تنظیم افات Procurement of Bio Control Agent for Horticulture Component of NHLP/MAIL مالمداری (NHLP) اشتراک نموده و نقل شرطنامه مربوط را در فلش دسک (حافظه) بشکل رایگان از ریاست تهیه و تدارکات، تعمیرمعینیت مالی و اداری وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری بدست آورده، آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات طور سر بسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۰۹:۴۵ قبل از ظهر مورخ ۱۷ JUNE ۲۰۲۰ به دفتر جلسات ریاست تهیه و تدارکات، منزل اول تعمیر معینیت مالی و اداری ارائه نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و انترنیتی قابل پذیرش نمی باشد.

قابل یادآوری است که جلسه پیش آفرگشایی مورخ ۰۳ JUNE ۲۰۲۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر و جلسه آفر گشایی مورخ ۱۷ JUNE ۲۰۲۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در اطاق جلسات آفر گشایی ریاست تهیه و تدارکات تدویر میگردد.

صفحه آرایی: مرادی و عبدالواسع

مسوول رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

ویدیو: حسن آذر مهر

پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ – ۰۷۸۸۸۸۷۹۹ Shaparsepehr@gmail.com

نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

نشانی دفتر کابل: جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان

۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com

سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com

وحید پیمان s.wahid.payman@gmail.com

خلیل اسیر، سیدحسن حسینی، محمدحسین نیک‌خواه

حسب بهش، عبدالاحمد حسینی و علی‌شاه حقمل

علی نظری، س.نوین

صاحب امتیاز:

مدیرمسوول:

معاون مدیرمسوول:

خبرنگاران:

ویراستار:

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:
Sanjar Sohail
sanjarsohail@yahoo.com

Facebook.com/8am.af

Youtube.com/HashteSubhdaily

Twitter.com/@Hashtesubhdaily

instagram.com/8am.af_official

www.8am.af

